

نقش عوامل مؤثر بر بدهی غیرجاری سیستم بانکی در فضای احتمالی

نوع مقاله: پژوهشی

زلیخا مرسلی ارزنق^۱

نسرين منصورى^۲

ميثم آزادمهر^۳

محمد رضا طهماسبى^۴

يزدان گودرزى فراهانى^۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۴/۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲

چکیده

این پژوهش به بررسی عوامل مؤثر بر مطالبات غیرجاری در یک فضای احتمالی می‌پردازد. در این راستا، متغیرهای کلان اقتصادی مانند نرخ تورم، نرخ بیکاری، نرخ ارز به همراه عوامل داخلی بانک‌ها نظیر بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام به عنوان متغیرهای کلیدی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. همچنین، از مدل‌های سری زمانی و مدل‌های احتمالاتی برای بررسی تأثیر این عوامل در طول زمان و شناسایی روندهای آینده استفاده شده است که در مدت زمان سال ۱۴۰۲-۱۳۹۰ در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بدست آمده نشان داد که اثر تمامی متغیرهای کلان اقتصادی بر نسبت مطالبات غیرجاری باتوجه به ضریب در طی دوره زمانی مورد بررسی افزایشی است و بیش‌ترین اثر را نرخ ارز و سپس نرخ بیکاری بر نسبت مطالبات غیرجاری دارد. بنابراین، برای کاهش مطالبات غیرجاری بانکی لازم است نوسانات متغیرهای کلان اقتصادی به‌ویژه نرخ ارز کنترل شود. در بین متغیرهای سطح بانک ضریب بازدهی دارایی‌ها و ضریب بازدهی

^۱ گروه مدیریت و حسابداری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (نویسنده مسئول)

z.morsali@iau.ir

n.masouri90@pnu.ac.ir

^۲ استادیار، گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

^۳ دانشجوی دکتری، گروه اقتصاد، دانشگاه بین الملل پیام نور، تهران، ایران

meysam.azadmehr@yahoo.com

^۴ گروه حسابداری و مدیریت، واحد کلیبر، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

Tamasebimohamadreza@gmail.com

^۵ استادیار، گروه اقتصاد اسلامی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم، قم، ایران

y.gudarzi@qom.ac.ir

حقوق صاحبان سهام اثر کاهشی بر نسبت مطالبات غیر جاری بانک‌ها داشته است. در کل، ضریب متغیرهای سطح بانک نسبت به متغیرهای کلان اقتصادی به ویژه برای بازدهی حقوق صاحبان سهام بیش تر است و برای کاهش نسبت مطالبات غیر جاری بانک‌ها لازم است نظارت ویژه بر عملکرد بانک‌ها شود.

کلید واژه: مطالبات، مطالبات غیر جاری، شبکه بانکی، فضای احتمالی، ریسک مالی.

طبقه بندی JEL: L10, O20, K33, C40

مقدمه

بانکداری به‌عنوان یکی از ارکان کلیدی اقتصاد و بستر اصلی توسعه سیستم مالی و اقتصادی، همواره در کانون توجه کارشناسان اقتصادی قرار دارد. بانک‌ها مؤسساتی هستند که وظیفه اصلی آن‌ها شامل ارائه تسهیلات مالی به مشتریان و دریافت سپرده‌ها از مردم است. هدف اصلی سیستم بانکی در کشور، جمع‌آوری منابع مالی و جذب انواع سپرده‌ها به‌منظور فراهم آوردن سرمایه لازم برای حمایت از برنامه‌های اعتباری و تسهیلاتی است که توسط این سیستم ارائه می‌شود. هرگونه اختلال در بازگشت تسهیلات پرداخت‌شده، می‌تواند عملکرد نظام بانکی را تحت تأثیر قرار دهد. یکی از چالش‌های اصلی که بانک‌ها و مؤسسات مالی با آن روبرو هستند، مسئله وصول تسهیلات پرداخت‌نشده است. این مطالبات، که به‌عنوان بدهی‌های معوق شناخته می‌شوند، می‌توانند پیامدهایی نظیر افزایش اقساط پرداخت‌نشده و تأخیر در وصول داشته باشند. این مطالبات به دو دسته مطالبات جاری و غیرجاری تقسیم می‌شوند که دسته دوم شامل بدهی‌های سررسید گذشته و مشکوک‌الوصول است. در بلندمدت، این وضعیت می‌تواند بانک‌ها را به سمت افزایش ریسک اعتباری، کاهش نقدینگی و سرمایه، و حتی ورشکستگی سوق دهد (حسین زاده و همکاران، ۱۴۰۳).

در ایجاد مطالبات غیرجاری در سیستم بانکی، مجموعه‌ای از عوامل نقش‌آفرینی می‌کنند که می‌توان آن‌ها را به دو دسته کلی تقسیم کرد. بخش اول عواملی هستند که به‌طور مستقیم تحت کنترل وام‌گیرنده و مدیریت بانک قرار دارند. از جمله این عوامل می‌توان به ورود افراد غیرمتخصص به فعالیت‌های تولیدی اشاره کرد که به دلیل عدم تخصص و تجربه، توانایی لازم برای مدیریت صحیح تسهیلات دریافتی را ندارند. همچنین، عدم استفاده از تسهیلات مالی در جایگاه اصلی خود و تخصیص نادرست منابع، منجر به بازگشت ناپذیری وام‌ها می‌شود. ناکافی بودن وثایق و تضامین ارائه‌شده نیز از دیگر عواملی است که مدیریت بانک باید به آن توجه داشته باشد تا در صورت عدم بازپرداخت وام، امکان جبران خسارت فراهم باشد.

در سوی دیگر، عواملی قرار دارند که خارج از کنترل مستقیم وام‌گیرنده و مدیریت بانک هستند و به شرایط اقتصادی کلان بستگی دارند. این عوامل شامل رکود اقتصادی، تحریم‌های بین‌المللی و نوسانات شاخص‌های اقتصادی مانند نرخ تورم و نرخ بیکاری می‌شوند. در شرایطی که اقتصاد کشور با رکود مواجه است، بسیاری از وام‌گیرندگان با مشکل مواجه شده و قادر به بازپرداخت تسهیلات نخواهند بود. از سوی دیگر، تحریم‌های بین‌المللی می‌تواند باعث محدودیت‌های جدی در تجارت و تولید شده و در نتیجه، کاهش درآمد و افزایش مطالبات معوق را در پی داشته باشد.

عوامل کلان دیگری همچون نرخ ارز، نرخ رشد اقتصادی، تولید ناخالص داخلی و قیمت سهام نیز تأثیرات مهمی بر بازپرداخت تسهیلات دارند. در شرایط ناپایدار اقتصادی که نرخ ارز و تورم به سرعت تغییر می‌کنند، ارزش دارایی‌ها و درآمد وام‌گیرندگان دچار نوسان شده و قدرت بازپرداخت وام‌ها کاهش می‌یابد. این شرایط به طور غیرمستقیم به افزایش ریسک اعتباری بانک‌ها و در نهایت به ایجاد مطالبات غیرجاری منجر می‌شود که مدیریت آن نیازمند سیاست‌های مناسب اقتصادی و بانکی است.

با توجه به شرایط اقتصادی و تغییرات پویای محیطی که بانک‌ها با آن مواجه هستند، شناسایی و تحلیل دقیق عوامل مؤثر بر مطالبات غیرجاری در فضایی که به‌طور مداوم در معرض تغییرات احتمالی قرار دارد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی، نظارتی، مدیریتی و اجتماعی هر یک به نوعی در شکل‌گیری و افزایش این مطالبات دخیل هستند. از سوی دیگر، تعامل پیچیده میان این عوامل و تأثیرات آن‌ها در فضای متغیر زمانی، نیازمند رویکردی جامع و چندبعدی است که بتواند ابعاد مختلف مسئله را به‌درستی تبیین کند. این پژوهش با بهره‌گیری از چارچوب‌های تحلیلی نوین و مدل‌های احتمالی پیشرفته، به دنبال ارائه تصویری دقیق‌تر از متغیرهای مؤثر و روابط میان آن‌ها است. هدف نهایی این تحقیق، ارائه راهکارهایی عملی برای مدیریت بهینه مطالبات غیرجاری و بهبود پایداری مالی نظام بانکی است که در نهایت می‌تواند به تقویت ثبات اقتصادی کشور و ارتقای اعتماد عمومی به شبکه بانکی منجر شود.

۱. مبانی نظری تحقیق

۱-۱. مطالبات غیرجاری و عوامل تشکیل‌دهنده آن

مطالبات غیرجاری به وام‌هایی اطلاق می‌شود که پرداخت‌های مربوط به آن‌ها به‌طور منظم و طبق برنامه‌ریزی انجام نمی‌شود و به‌عبارتی دیگر، وضعیت مالی وام‌گیرندگان به‌گونه‌ای است که قادر به پرداخت اقساط به‌موقع وام‌های خود نیستند. این نوع مطالبات معمولاً به‌عنوان یک شاخص کلیدی در ارزیابی سلامت مالی بانک‌ها و نظام بانکی شناخته می‌شود و تحلیل آن‌ها به‌منظور درک بهتر عوامل مؤثر بر تشکیل آن ضروری است.

۱-۱-۱- تعریف مطالبات غیرجاری

مطالبات غیرجاری، که در منابع مختلف به‌عنوان مطالبات معوق نیز شناخته می‌شود، به وام‌هایی اطلاق می‌شود که از تاریخ سررسید آن‌ها مدت زمان قابل توجهی گذشته است و بانک‌ها نتوانسته‌اند اقساط آن‌ها را به‌طور منظم دریافت کنند. در ادبیات اقتصادی، این نوع مطالبات به‌عنوان وام‌های غیرعملیاتی یا وام‌های معوق نیز معرفی می‌شوند. مطالبات غیرجاری می‌تواند به سه دسته تقسیم شود: مطالبات معوق، مطالبات مشکوک‌الوصول، و مطالبات غیرقابل وصول. افزایش این مطالبات می‌تواند منجر به کاهش نقدینگی و افزایش هزینه‌های مالی بانک‌ها و به‌طور کلی، کاهش سلامت نظام مالی شود.

۱-۱-۲- اهمیت تحلیل مطالبات غیرجاری

مطالبات غیرجاری می‌تواند تأثیرات عمیقی بر سلامت مالی و عملکرد بانک‌ها داشته باشد. افزایش این مطالبات می‌تواند به کاهش نقدینگی، افزایش هزینه‌های مالی و کاهش توان بانک‌ها در اعطای وام‌های جدید منجر شود. همچنین، این مطالبات می‌توانند به افزایش ریسک اعتباری بانک‌ها و کاهش اعتماد عمومی به نظام مالی منجر شوند. تحلیل دقیق و شناسایی عوامل مؤثر بر مطالبات غیرجاری به بانک‌ها کمک می‌کند تا استراتژی‌های مناسبی برای مدیریت ریسک و کاهش این مطالبات تدوین کنند.

۱-۱-۳- عوامل تشکیل‌دهنده مطالبات غیرجاری

مطالبات غیرجاری به دلایل مختلفی شکل می‌گیرد که به‌طور کلی به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود: عوامل اقتصادی و عوامل مدیریتی.

۱-۱-۳-۱- عوامل اقتصادی

نوسانات اقتصادی: نوسانات در شرایط اقتصادی می‌تواند تأثیر زیادی بر توان پرداخت وام‌گیرندگان داشته باشد. در شرایط اقتصادی نامساعد، درآمد وام‌گیرندگان کاهش می‌یابد و به‌طور طبیعی توان آن‌ها در پرداخت اقساط وام‌ها کاهش پیدا می‌کند. این شرایط می‌تواند به افزایش مطالبات غیرجاری منجر شود. بحران‌های اقتصادی و رکودهای مالی می‌تواند به افزایش مطالبات معوق کمک کند (مرادی، ۱۴۰۱).

تغییرات نرخ بهره: تغییرات در نرخ بهره می‌تواند تأثیر زیادی بر توان بازپرداخت وام‌ها داشته باشد. افزایش نرخ بهره به‌معنای افزایش بار مالی وام‌گیرندگان است و می‌تواند به کاهش توان

پرداخت آن‌ها منجر شود. از سوی دیگر، کاهش نرخ بهره ممکن است به افزایش تقاضا برای وام‌ها و در نتیجه افزایش مطالبات معوق منجر شود (احمدی و همکاران، ۱۴۰۰).

تغییرات نرخ ارز: نوسانات در نرخ ارز می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر عملکرد مالی وام‌گیرندگان داشته باشد. برای وام‌گیرندگانی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم وابسته به ارزهای خارجی هستند، نوسانات نرخ ارز می‌تواند به افزایش هزینه‌های تأمین مالی و کاهش قدرت پرداخت منجر شود. این وضعیت می‌تواند باعث افزایش مطالبات غیرجاری شود (کمالی و همکاران، ۱۴۰۲).

رشد اقتصادی: رشد اقتصادی به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در تحلیل مطالبات غیرجاری در نظر گرفته می‌شود. رشد اقتصادی مثبت معمولاً به معنای افزایش درآمدها و بهبود وضعیت مالی وام‌گیرندگان است، در حالی که رشد اقتصادی منفی یا رکود اقتصادی می‌تواند به کاهش درآمدها و افزایش مشکلات مالی وام‌گیرندگان منجر شود (علی‌پور، ۱۳۹۹).

۱-۳-۲- عوامل درون بانکی

کیفیت مدیریت ریسک اعتباری: ضعف در مدیریت ریسک اعتباری می‌تواند به بروز مطالبات غیرجاری منجر شود. فرآیندهای ناکارآمد در ارزیابی اعتبار وام‌گیرندگان، عدم نظارت کافی بر وام‌ها، و ضعف در فرآیندهای مدیریتی می‌تواند به افزایش مطالبات معوق منجر شود. بانک‌ها باید از ابزارهای مدیریتی مناسب برای ارزیابی و نظارت بر وام‌ها استفاده کنند تا ریسک اعتباری را به حداقل برسانند (موسوی و همکاران، ۱۴۰۱).

سیاست‌های اعتباری: سیاست‌های اعتباری بانک‌ها، شامل شرایط و ضوابط اعطای وام‌ها، تأثیر زیادی بر میزان مطالبات غیرجاری دارد. سیاست‌های اعتباری نادرست یا ناکارآمد، مانند عدم بررسی کافی توان مالی وام‌گیرندگان یا عدم تناسب در شرایط وام، می‌تواند به افزایش مطالبات معوق منجر شود (حسینی، ۱۴۰۰).

نظارت و کنترل داخلی: ضعف در نظارت و کنترل‌های داخلی بانک‌ها می‌تواند به بروز مشکلات در پرداخت وام‌ها و افزایش مطالبات غیرجاری منجر شود. نظارت ضعیف بر فرآیندهای پرداخت وام، عدم پیگیری مناسب مطالبات معوق و ضعف در کنترل‌های داخلی می‌تواند مشکلات جدی برای نظام بانکی ایجاد کند (رستمی، ۱۴۰۲).

کیفیت پرتفوی وام‌ها: کیفیت پرتفوی وام‌ها، که به‌طور مستقیم تحت تأثیر انتخاب و اعطای وام‌ها و مدیریت ریسک قرار دارد، تأثیر زیادی بر میزان مطالبات غیرجاری دارد. بانک‌ها باید از فرآیندهای مؤثری برای نظارت و بهبود کیفیت پرتفوی وام‌ها استفاده کنند تا ریسک مطالبات معوق را کاهش دهند (جلالی و همکاران، ۱۳۹۹).

۲-۱- مطالبات غیرجاری و ثبات مالی

مطالبات غیرجاری، به وام‌ها و بدهی‌هایی اطلاق می‌شود که پرداخت آن‌ها به‌طور منظم و مطابق با برنامه تعیین‌شده انجام نمی‌شود. این نوع مطالبات، به‌ویژه در نظام بانکی، می‌تواند تأثیرات قابل‌توجهی بر ثبات مالی بانک‌ها و کل نظام مالی داشته باشد. تحلیل این تأثیرات و ارتباط آن با ثبات مالی به درک بهتر چالش‌های موجود در مدیریت مالی و اعتبار در بانک‌ها کمک می‌کند (رستمی، ۱۴۰۲).

۱-۲-۱- تعریف مطالبات غیرجاری

مطالبات غیرجاری به وام‌هایی اطلاق می‌شود که پرداخت آن‌ها به‌طور منظم و طبق تاریخ‌های تعیین‌شده انجام نمی‌شود. این وام‌ها معمولاً به‌طور دقیق به سه دسته تقسیم می‌شوند: مطالبات معوق، مطالبات مشکوک‌الوصول، و مطالبات غیرقابل‌وصول. مطالبات معوق به وام‌هایی اطلاق می‌شود که پرداخت آن‌ها از تاریخ سررسید تا ۹۰ روز به تأخیر افتاده است، مطالبات مشکوک‌الوصول به وام‌هایی گفته می‌شود که احتمال پرداخت آن‌ها کمتر از حالت معمول است، و مطالبات غیرقابل‌وصول به وام‌هایی اطلاق می‌شود که دیگر امیدی به بازپرداخت آن‌ها وجود ندارد (گودرزی، ۱۴۰۲).

۲-۲-۱- اهمیت مطالبات غیرجاری برای ثبات مالی

مطالبات غیرجاری به‌طور مستقیم بر ثبات مالی بانک‌ها تأثیر می‌گذارند. افزایش این نوع مطالبات می‌تواند به کاهش نقدینگی و افزایش هزینه‌های مالی بانک‌ها منجر شود. به‌ویژه در شرایطی که مطالبات غیرجاری به میزان قابل‌توجهی افزایش می‌یابد، بانک‌ها ممکن است با مشکلات جدی در تأمین منابع مالی مواجه شوند. این وضعیت می‌تواند به کاهش قدرت اعطای وام‌های جدید، کاهش سودآوری، و افزایش هزینه‌های مالی منجر شود که به‌نوبه خود بر ثبات مالی بانک‌ها تأثیر منفی می‌گذارد (شریفی، ۱۴۰۱).

۳-۱- پیشینه پژوهش

۱-۳-۱- پیشینه خارجی

آلگری و همکارانش (۲۰۲۳) واسطه‌های مالی در یک منطقه محدود عمل می‌کنند، استراتژی‌هایی که برای وصول مطالبات غیرجاری اتخاذ می‌کنند، می‌تواند اثرات سرریز فضایی بر توانایی بانک‌های

همسایه برای بازیابی اعتبار ایجاد کند. علاوه بر این، اتکای بانکهای کوچک به تکنیک وام‌دهی رابطه‌ای برای انتخاب و نظارت بر وام‌گیرندگان، نشان‌دهنده توانایی مشابهی برای شناسایی وام‌گیرندگان با عملکرد ضعیف است که ممکن است تأثیر منفی بر جامعه‌ای داشته باشد که آن بانکها در آن فعالیت میکنند، برآوردهای تجربی این پژوهش شواهد قوی برای متغیرهای مکانی و مکانی-زمانی که باعث وامهای ضعیف در بانکهای محلی می‌شوند، ارائه می‌کند. نتایج نشان‌دهنده آثار متفاوت اصطلاحات مکانی است، که یک اثر مثبت مستقیم متغیر تأخیر فضایی همزمان و یک اثر منفی ضریب خودرگرسیون فضایی-زمان را نشان می‌دهد. در حالی که آثار مثبت را می‌توان به تغییرات در چرخه اقتصاد کلان نسبت داد، آثار منفی این بینش را تأیید می‌کند که ظرفیت‌های بازیابی بانک‌های محلی می‌تواند توسط سیاست‌های بازیابی اعتبار بانک‌های همسایه آسیب ببیند.

رجوب و همکاران (۲۰۲۳) اقدام به بررسی عوامل فناوری مالی (فین تک مؤثر بر عملکرد بانکداری چین پرداختند در این مطالعه یک الگوریتم تطبیقی مبتنی بر عصبی-فازی مبتنی بر K-نزدیکترین همسایه پیشنهاد گردید. یافته‌ها نشان داد که ۹۱ درصد دقت ۹۰ درصد حریم خصوصی ۹۶ درصد استحکام و ریسک اعتباری و ۲۵ درصد عملکرد ریسک سایبری توسط فین تک بهبود می‌یابد.

دو^۱ (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای با عنوان «عوامل اقتصادی و نهادی تأثیرگذار بر مطالبات غیرجاری در بانک‌های آفریقایی» به بررسی سیاست‌های مالی و نظارتی در ۱۵ کشور آفریقایی پرداخت. این تحقیق نشان داد که نظارت دولت بر سیستم بانکی و تنظیم قوانین سختگیرانه در بازپرداخت وام‌ها می‌تواند نقش مهمی در کاهش ریسک‌های اعتباری داشته باشد. داده‌های این تحقیق از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۲ جمع‌آوری شد.

فرا^۲ (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان «عوامل مؤثر بر مطالبات غیرجاری: رویکرد داده‌های تابلویی» به بررسی شاخص‌های کلان اقتصادی و بانکی بر مطالبات غیرجاری در بانک‌های اروپایی پرداخت. این تحقیق از داده‌های ۲۵ بانک طی بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ استفاده کرد و روش تحلیل رگرسیون پانل را به کار گرفت. نتایج نشان داد که کاهش رشد اقتصادی، افزایش نرخ بیکاری و رکود اقتصادی مهم‌ترین عوامل افزایش مطالبات معوق هستند. همچنین، کیفیت مدیریت داخلی بانک‌ها نقش بسزایی در کنترل این مطالبات دارد.

اکانایکه و آریز^۳ (۲۰۲۲) در پژوهشی تحت عنوان «عوامل مؤثر بر مطالبات غیرجاری در بانک‌های سریلانکا»، داده‌های ۲۰ بانک را طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ بررسی کردند. این مطالعه

^۱ Do, L. K. O

^۲ Ferreira, C

^۳ Ekanayake, E. M. N. N., & Azeez, A. A

نشان داد که کارایی عملیاتی و مدیریت ریسک داخلی به طور قابل توجهی می‌تواند نسبت NPL را کاهش دهد. همچنین، یافته‌ها تأثیر منفی رشد اقتصادی پایین را بر این مطالبات برجسته کرد. برانکاچيو و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیرات متقابل نرخ بهره حقیقی، تورم و رشد اقتصادی بر مطالبات غیرجاری در ایالات متحده آمریکا پرداخته‌اند. این تحقیق به‌طور خاص بر دوره زمانی از فصل اول ۱۹۸۸ تا فصل چهارم ۲۰۱۶ متمرکز بوده و از الگوی خودرگرسیون برداری ساختاری (SVAR) برای تحلیل داده‌ها استفاده کرده است. نتایج به‌دست‌آمده از توابع ضربه پاسخ (Impulse Response Functions) نشان می‌دهد که تأثیر تورم بر نرخ بهره حقیقی به‌طور متفاوتی در کوتاه‌مدت و بلندمدت متفاوت است. در کوتاه‌مدت، تورم تأثیر منفی بر نرخ بهره واقعی دارد، در حالی که این تأثیر در بلندمدت به صورت مثبت مشاهده می‌شود. به علاوه، رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت بر نرخ بهره حقیقی تأثیر مثبت دارد، اما این تأثیر در بلندمدت به‌طور منفی ظاهر می‌شود. مطالعه همچنین نشان می‌دهد که مطالبات غیرجاری، در بسیاری از دوره‌ها تأثیر منفی بر نرخ بهره حقیقی داشته‌اند. به عبارتی دیگر، افزایش مطالبات غیرجاری می‌تواند به کاهش نرخ بهره حقیقی منجر شود. از سوی دیگر، افزایش نرخ بهره حقیقی و تورم تأثیرات معناداری بر میزان مطالبات غیرجاری داشته و بهبود در رشد اقتصادی تنها در کوتاه‌مدت تأثیر منفی بر مطالبات غیرجاری داشته است، در حالی که این تأثیر در بلندمدت به صورت مثبت مشاهده می‌شود. به‌طور کلی، حدود ۵۰ درصد از تغییرات مطالبات غیرجاری در ایالات متحده آمریکا توسط نرخ بهره حقیقی توضیح داده شده است، که نشان‌دهنده اهمیت بالای نرخ بهره حقیقی در تعیین میزان مطالبات غیرجاری می‌باشد.

رحمان (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای با عنوان "نقش بحران مالی و سایر عوامل مؤثر بر مطالبات غیرجاری در جنوب آسیا" با استفاده از الگوی گشتاورهای تعمیم‌یافته برای سال‌های ۱۹۹۹-۲۰۱۵ پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مطالبات غیرجاری توسط عوامل اقتصادی و عوامل بانکی توضیح داده می‌شود و تأثیر عوامل اقتصادی بیشتر از عوامل بانکی بوده است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که پاسخ مطالبات غیرجاری در دوران بعد از بحران مالی معنادارتر نسبت به قبل از بحران مالی بوده است.

ماکری و همکاران (۲۰۱۷) عوامل مؤثر بر نرخ مطالبات غیرجاری سیستم بانکی منطقه یورو برای ۱۴ کشور در بازه زمانی ۲۰۰۰-۲۰۰۸ پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ارتباط قوی بین مطالبات غیرجاری و متغیر کلان اقتصادی بدهی عمومی، بیکاری رشد اقتصادی و متغیرهای بانکی نسبت کفایت سرمایه نرخ مطالبات غیرجاری سال قبل و بازده حقوق صاحبان سهام وجود دارد.

۱-۳-۲- پیشینه داخلی

شیخلی و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «مدل‌سازی پیش‌بینی بحران بانکی در ایران با استفاده از BMA» عوامل مؤثر بر بحران بانکی و نقش متغیرهای کلان اقتصادی را تحلیل کردند. داده‌های مورد استفاده مربوط به ۱۵ بانک ایرانی بین سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۱ بوده و روش مدل میانگین مدل بیزی (BMA) برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که نوسانات نرخ ارز، نرخ تورم بالا، و کاهش کفایت سرمایه بانک‌ها از عوامل اصلی در تشدید بحران‌های بانکی هستند. این مطالعه تأکید کرد که تقویت مدیریت ریسک و تنظیم سیاست‌های ارزی نقش مهمی در کنترل بحران‌های بانکی ایفا می‌کنند.

قلی‌زاده و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «اثرگذاری نامتقارن عوامل اقتصادی بر تسهیلات بانکی»، تأثیر نوسانات اقتصادی بر ارائه تسهیلات و مطالبات غیرجاری بانک‌ها را بررسی کردند. داده‌های این تحقیق از عملکرد ۱۲ بانک خصوصی و دولتی در ایران طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۲ استخراج شده است. نتایج نشان داد که نرخ بهره بالا در کوتاه‌مدت باعث کاهش تقاضای تسهیلات می‌شود، اما در بلندمدت، سیاست‌های پولی انبساطی می‌توانند تأثیر مثبتی در کاهش ریسک اعتباری داشته باشند.

فراهانی و همکاران (۱۴۰۱) در تحقیق خود با عنوان «اثر سیاست‌های پولی بر کاهش مطالبات غیرجاری بانکی» به بررسی تأثیر نرخ بهره و عرضه پول بر مطالبات معوق بانک‌ها پرداختند. این پژوهش از مدل VAR و داده‌های ۲۰ بانک طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ استفاده کرد. نتایج نشان داد که کاهش نرخ بهره به میزان ۱ درصد می‌تواند نسبت مطالبات معوق را تا ۵ درصد کاهش دهد. این مطالعه همچنین بر اهمیت سیاست‌های انبساطی پولی در کنترل مطالبات غیرجاری تأکید کرد.

رستمی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر ساختار مالکیت بر مطالبات غیرجاری بانک‌ها» به تحلیل اثرات مالکیت دولتی و خصوصی در بانک‌های ایران پرداختند. این پژوهش از مدل رگرسیون خطی و داده‌های ۱۰ بانک طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۹ بهره گرفت. نتایج نشان داد که بانک‌های دولتی به دلیل عدم نظارت کافی و افزایش وام‌های تکلیفی، نسبت بالاتری از مطالبات غیرجاری را تجربه می‌کنند. در مقابل، بانک‌های خصوصی به دلیل ساختار مدیریتی شفاف‌تر، عملکرد بهتری در کنترل مطالبات معوق داشته‌اند.

حسینی (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان «نقش کیفیت مدیریت در کاهش مطالبات معوق بانکی» تأثیر عملکرد مدیریتی را در بانک‌های ایرانی بررسی کرد. این تحقیق از داده‌های مربوط به ۱۲ بانک از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ استفاده کرد و شاخص‌های مدیریت منابع انسانی، ساختار

سازمانی و فرآیندهای تصمیم‌گیری را مورد ارزیابی قرار داد. یافته‌ها نشان داد که مدیریت اثربخش می‌تواند میزان مطالبات معوق را تا ۳۰ درصد کاهش دهد.

حیدری و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیقی دیگر به بررسی تأثیر شوک‌های کلان اقتصادی بر مطالبات معوق بانک‌ها برای دوره زمانی ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۷ با استفاده از مدل VAR پرداختند. این مطالعه از تابع واکنش آنی و تجزیه واریانس برای تحلیل اثرات شوک‌های اقتصادی استفاده کرد. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که شوک‌های متغیرهای اقتصادی، مانند تورم، رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت، حجم نقدینگی و نرخ سود تسهیلات، بیشترین تأثیر را بر مطالبات معوق سیستم بانکی نسبت به سایر متغیرهای کلان اقتصادی دارند.

رستمیان و طبسی (۱۳۸۹) در تحقیقی به بررسی عوامل مؤثر بر مطالبات معوق در بانک‌های تجاری مناطق آزاد کیش برای دوره ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶ پرداختند. در این مطالعه، پرونده‌های با بیشترین بدهی معوق در بانک ملت منطقه آزاد کیش مورد بررسی قرار گرفت و ۵۸ پرونده مطالبات معوق به صورت تصادفی تحلیل شد.

۲. روش تحقیق

تحقیق حاضر شامل دو دسته از شاخص‌ها به‌عنوان متغیر توضیحی می‌شود. یک دسته از شاخص‌ها، شاخص‌های کلان اقتصادی هستند که بر نسبت مطالبات غیرجاری تأثیرگذار هستند و دسته دوم شاخص‌های سطح بانک (درون بانکی هستند) که می‌توانند بر مطالبات غیرجاری شبکه بانکی به‌عنوان متغیر وابسته تأثیر گذار باشند.

$$ldebt_{it} = f(t) + \beta_1(t)inf_{it} + \beta_2(t)ex + \beta_3(t)un_{it} + \beta_4(t)ROA_{it} + \beta_5(t)ROE_{it} + \alpha_i + u_{it}$$

دوره زمانی مورد بررسی در این پژوهش از فصل اول سال ۱۳۹۰ تا فصل چهارم سال ۱۴۰۲ است. نمونه مورد بررسی ۱۶ بانک بزرگ است که داده برای آن‌ها در دوره زمانی مورد بررسی موجود است. باتوجه به دسترسی به داده، بانک‌های مورد بررسی عبارتند از: دی، سامان، سرمایه، صادرات، ملت، پارسین، پاسارگاد، پست بانک ایران، تجارت، خاورمیانه، ایران زمین، سینا، کارآفرین، گردشگری، اعتباری ملل، اقتصاد نوین. در جدول (۱)، متغیرهای مورد بررسی در پژوهش حاضر و منبع جمع‌آوری آنها خلاصه شده است.

جدول (۱). معرفی متغیرهای تحقیق

منبع اطلاعات	واحد	شاخص	متغیر
صورت‌های مالی	بدون واحد	مطالبات سررسید گذشته و معوق بانک‌ها به کل تسهیلات اعطایی	مطالبات غیرجاری (debt)
بانک مرکزی	ریال	قیمت دلار در بازار غیررسمی	نرخ ارز (ex)
بانک مرکزی	درصد	نرخ رشد شاخص قیمت مصرف‌کننده	نرخ تورم (inf)
مرکز آمار ایران	درصد	نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال از نظر اقتصادی	نرخ بیکاری (un)
صورت‌های مالی	بدون واحد	نسبت سود بعد از مالیات به کل دارایی‌ها	بازدهی دارایی‌ها (ROA)
صورت‌های مالی	بدون واحد	نسبت بازده سهام‌داران به حقوق صاحبان سهام	بازدهی حقوق صاحبان سهام (ROE)

منبع: منابع آماری مختلف

۳. برآورد مدل

در جدول (۲)، آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش ارائه شده است.

جدول (۲). آماره‌های توصیفی متغیرها

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
debt	۰/۰۲۵	۰/۰۱۱	۰/۰۱۱	۰/۰۷۵
Ex	۵/۱۰	۶/۱۰	۵/۱۱	۴۵۴۲۰
inf	۲۸/۹۳	۱۶/۶۸	۲/۷	۱/۶۴
un	۱۰/۹۶	۱/۳	۸/۲	۱۴/۱
ROA	۰/۱۹۵	۰/۱۵	۰/۰۰۵	۰/۲۳۵
ROE	۰/۰۰۹	۰/۰۱۴	-۰/۰۵۴	۰/۰۹۱

منبع: محاسبات تحقیق

بر اساس ارقام در جدول، نکات زیر را می‌توان بیان کرد. متغیرهای نرخ ارز، چرخه‌های تجاری و

بازدهی حقوق صاحبان سهام، از نوسانات بالاتری برخوردارند و انحراف معیارشان بیشتر از میانگین است. میانگین چرخه تجاری منفی است. بنابراین، در طی دوره ۱۴۰۲-۱۳۹۰، شرایط رکودی بیشتر از رونق اقتصادی بوده است که به دلیل تحریم‌های اقتصادی و کاهش درآمدهای نفتی و سایر شوک‌های اقتصادی این مسئله در اقتصاد ایران رخ داده است. حداکثر مقدار مطالبات غیرجاری مربوط به بانک گردشگری در فصل سوم سال ۱۳۹۴ است. حداقل مقدار مطالبات غیرجاری مربوط به بانک سینا در فصل اول سال ۱۳۹۹ است.

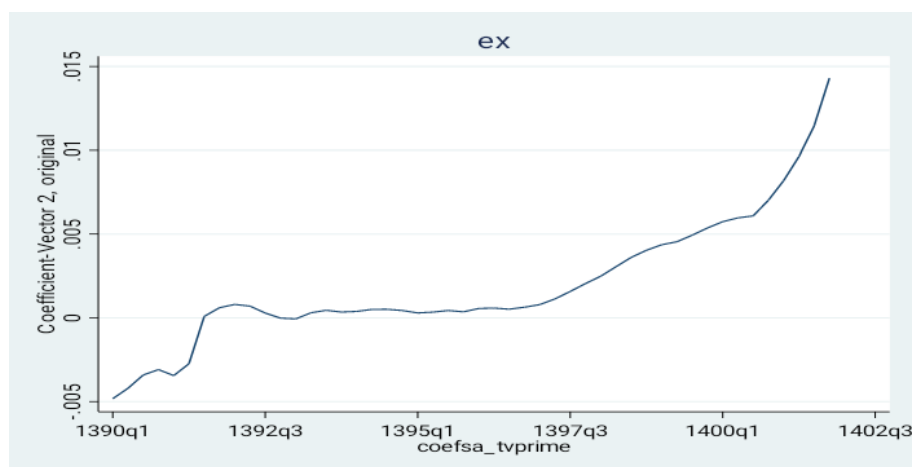
قبل از بررسی پایایی متغیرها لازم است که آزمون وابستگی مقطعی انجام شود. در مطالعه حاضر، از آزمون وابستگی مقطعی پسران (۲۰۰۴) برای بررسی وابستگی مقطعی استفاده می‌شود. آماره آزمون $2/54$ - به دست آمده است. مقادیر بحرانی آزمون در سطوح ۱ درصد و ۵ درصد به ترتیب $1/96$ - و $2/57$ - هستند. بنابراین، فرضیه صفر عدم وابستگی مقطعی در سطح خطای ۵ درصد رد می‌شود و وابستگی مقطعی بین متغیرها وجود دارد. برای اطمینان از اینکه مدل‌های برآوردی کاذب نباشند، باید بررسی شود که متغیرها پایا هستند. برای این منظور، از آزمون CIPS پسران (۲۰۰۷) برای ارزیابی پایایی متغیرها استفاده می‌شود. فرضیه صفر این آزمون بیانگر ناپایداری متغیرها است، در حالی که فرضیه جایگزین نشان می‌دهد که سری زمانی متغیرها پایدار است. در جدول (۳) نتایج مربوط به آزمون ریشه واحد با در نظر گرفتن عرض از مبدأ، عرض از مبدأ و روند و بدون عرض از مبدأ و روند ارائه شده است.

جدول (۳). نتایج آزمون ریشه واحد

متغیر	t	t _c	t _{c&t}
debt	-۱/۳	-۲/۵	-۲/۵۴
ex	-۳/۰۵	-۳/۲	-۳/۱۵
inf	-۳/۲۱	-۱/۵	-۳/۴۵
un	-۳/۵	-۱/۱۲	-۳/۴۳
ROA	-۱/۵	-۲/۳۱	-۲/۱۲
ROE	-۰/۵۶	-۲/۴۳	-۱/۶۵

منبع: محاسبات تحقیق

مقدار آماره t در معادله بدون عرض از مبدأ و روند، tc مقدار آماره t با وجود عرض از مبدأ و $tc&t$ مقدار آماره t با وجود عرض از مبدأ و روند را نشان می‌دهد. آماره بحرانی در سطح ۹۵٪ برای معادله بدون عرض از مبدأ و روند برابر با $1/6-$ ، با وجود عرض از مبدأ برابر با $2/2-$ و با حضور عرض از مبدأ و روند برابر با $2/71-$ است. با توجه به نتایج در جدول متغیر نرخ ارز در هر سه معادله، پایا از سطح صفر بوده است. متغیرهای نرخ تورم و نرخ بیکاری در معادله بدون عرض از مبدأ و روند و با حضور عرض از مبدأ و روند پایدار از سطح صفر هستند. متغیر مطالبات غیرجاری در دو معادله بدون عرض از مبدأ و روند و با حضور عرض از مبدأ پایا از سطح صفر است و دو متغیر بازدهی دارایی‌ها و بازدهی حقوق صاحبان سهام تنها با حضور عرض از مبدأ پایا از سطح صفر هستند. در ادامه این بخش، نتایج برآوردهای پژوهش بررسی خواهند شد. برای انتخاب مدل تخمینی مناسب، تصریح‌های مختلف مدل داده پیل با ضرایب متغیر زمانی مورد ارزیابی قرار گرفتند و مدل‌های بوت‌استرایی نیز مد نظر قرار گرفتند. در نهایت، از میان تمامی تصریح‌ها، روش خطی محلی میانگین با پهنای باند 0.5 به عنوان روش منتخب انتخاب شد و برآوردها با استفاده از نرم‌افزار Stata انجام شد.

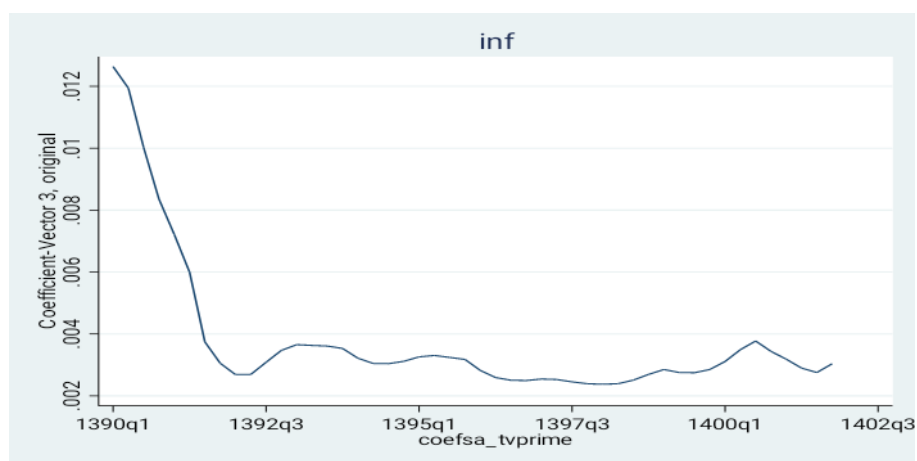


نمودار (۱). ضریب نرخ ارز

منبع: محاسبات تحقیق

بر اساس نمودار ۱، ضریب نرخ ارز در ابتدای دوره تا فصل دوم سال ۱۳۹۱ باعث کاهش نسبت مطالبات غیرجاری می‌شود و اثر کاهشی در طول دوره کاهش می‌یابد. اما، در ادامه و از فصل سوم

سال ۱۳۹۱ تا فصل اول سال ۱۳۹۳ نرخ ارز اثر مثبت و منفی خیلی کوچک و نزدیک به صفر بر نسبت مطالبات غیرجاری دارد. اما، از فصل اول سال ۱۳۹۳ ضریب نرخ باعث افزایش نسبت مطالبات غیرجاری می‌شود و اثر افزایشی تا انتهای دوره ادامه دارد. به‌ویژه از فصل اول سال ۱۳۹۷ اثر افزایشی بر نسبت مطالبات غیرجاری شدت گرفته است و در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۳۹۳ این ضریب چند برابر شده است. ضریب در حدود $0/014 - 0/005$ است و اگرچه ضریب کوچک است، اما ضریب مثبت و اثر افزایشی بر نسبت مطالبات غیرجاری چند برابر اثر کاهشی است که می‌توان بیان کرد که نرخ ارز در اقتصاد ایران بیش‌تر باعث افزایش ریسک اعتباری می‌شود تا آن را کاهش دهد. این نتیجه با مطالعه یحیائی (۱۳۹۳) مطابقت دارد که یافت نوسانات نرخ ارز رابطه مستقیم مطالبات معوق بانکی دارد. هم‌چنین، محمدی و همکاران (۱۳۹۵)، بیان کردند که تلاطم نرخ ارز اثر مثبت بر میزان مطالبات غیرجاری شبکه بانکی کشور دارد.

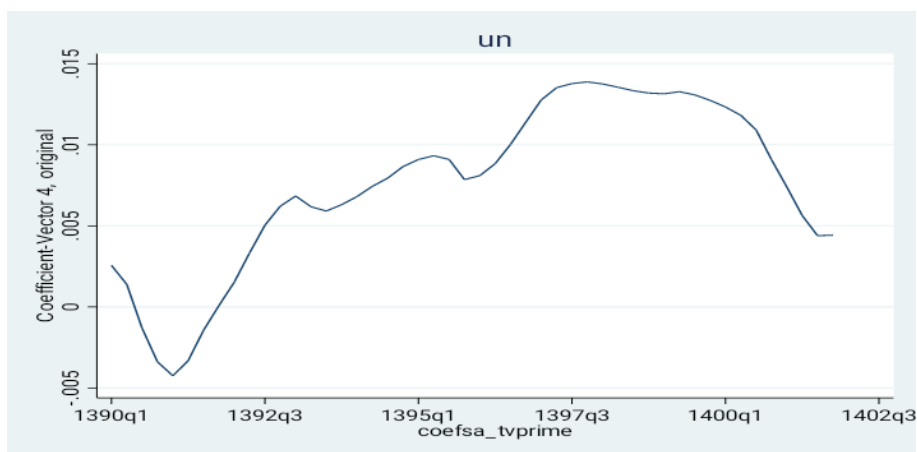


نمودار (۲). ضریب نرخ تورم

منبع: محاسبات تحقیق

براساس نمودار ۲، ضریب نرخ تورم در کل دوره نسبت مطالبات غیرجاری را افزایش می‌دهد. اما، اثرگذاری بر نسبت مطالبات غیرجاری در طی زمان کاهش یافته است و در فصول اولیه سال ۱۳۹۰ بسیار بیش‌تر از سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۱ است. در واقع، تورم در کل، ظرفیت پرداخت وام‌گیرندگان را از طریق کاهش درآمد واقعی کاهش داده است. اما، در سال‌های پایانی دوره مطالعه افزایش افسارگسیخته تورم به‌همراه نوسانات نرخ ارز باعث کاهش بازدهی تولید و نااطمینانی

تولیدکنندگان به آینده تولید شده و تولیدات کاهش یافته و بیش تر افراد ثروتمند تمایل به سرمایه گذاری بر کالاهای سرمایه ای نظیر مسکن و سایر دارایی ها داشته اند و این مورد باعث کاهش تقاضای افراد دارای سابقه اعتباری مناسب برای وام جهت امور تولیدی شده است. نسبت مطالبات غیر جاری افزایش می یابد. ضریب بین $0/013-0/002$ است. این نتیجه با مطالعات فهران و همکاران^۱ (۲۰۱۲)، برانکاچیو و همکاران^۲ (۲۰۲۰) و عادللی نیک (۱۳۹۲) مطابقت دارد. هم چنین، تونی و شهاب^۳ (۲۰۱۵) یافتند که تورم در کشورهای نفتی باعث افزایش مطالبات معوق می شود.



نمودار (۳). ضریب نرخ بیکاری

منبع: محاسبات تحقیق

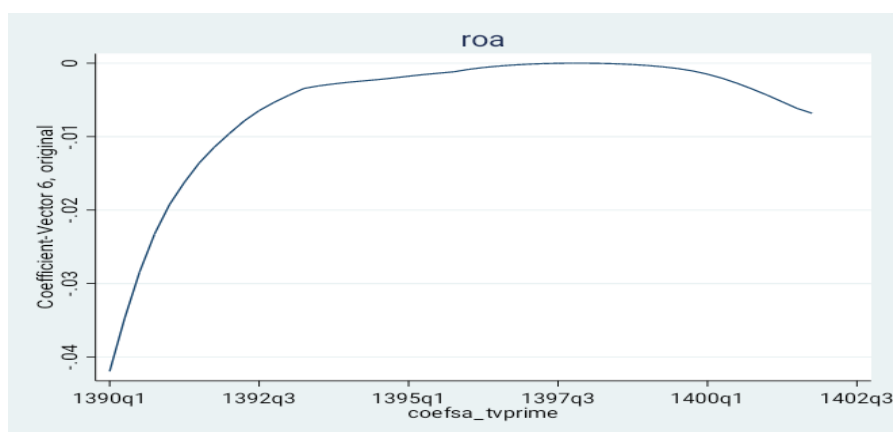
بر اساس نمودار ۳، ضریب نرخ بیکاری در ابتدای دوره به مدت دو دوره نسبت مطالبات غیر جاری را افزایش می دهد. سپس اثر نرخ بیکاری بر مطالبات غیر جاری برای ۵ دوره کاهشی و کوچک است که در فصل اول سال ۱۳۹۱ از شدت رابطه منفی کم می شود. از فصل چهارم سال ۱۳۹۱ اثر نرخ بیکاری بر نسبت مطالبات غیر جاری مجدداً افزایشی می شود و اثر افزایشی همراه با نوساناتی شدت می گیرد تا در فصل چهارم سال ۱۳۹۷ به حداکثر میزان خود می رسد. در واقع می توان بیان کرد که همراه با تحریم ها و افزایش نرخ ارز، تولید نیز کاهش می یابد که باعث کاهش اشتغال می شود و این مورد باعث می شود که افرادی که وام گرفتند به دلیل نداشتن درآمد امکان

^۱ Farhan et al.

^۲ Brancaccio et al

^۳ Touny & Shehab

پرداخت اقساط را نداشته باشند و نسبت مطالبات غیرجاری افزایش می‌یابد. اگرچه از فصل چهارم سال ۱۳۹۵ تا فصل دوم سال ۱۳۹۶ به علت تصویب برجام و افزایش موقتی تولیدات و بهبود شرایط اقتصادی، از شدت ضریب افزایشی بیکاری بر نسبت مطالبات غیرجاری اندکی کم شده است؛ اما مجدداً این اثر شدت گرفته است و بهبود موقتی بوده است. از فصل چهارم سال ۱۳۹۷ تا فصل سوم سال ۱۳۹۹ ضریب هم‌چنان در سطح حداکثری باقی مانده است و از شدت ضریب مثبت کم نمی‌شود که به دلیل شدت یافتن اثرات تحریم‌ها و کاهش تولید ناخالص داخلی و نوسانات نرخ ارز است که بر بیکاری نیز تأثیر می‌گذارد و باعث می‌شود از توان پرداختی افراد کم شده و در نتیجه نسبت مطالبات غیرجاری افزایش یابد. از فصل چهارم سال ۱۳۹۹ تا فصل چهارم سال ۱۴۰۱، همراه با افزایش تولیدات و تولید ناخالص داخلی ضریب افزایشی نرخ بیکاری بر نسبت مطالبات غیرجاری کم‌تر شده و به سمت صفر میل می‌کند. ضریب بین $-0/014$ تا $-0/004$ است و در کل ضریب به جز پنج دوره مثبت و در بیش‌تر دوره‌ها ضریب مثبت افزایشی است که نشان‌دهنده این مورد است که برای کاهش نسبت مطالبات غیرجاری لازم است بیکاری کنترل شود. این نتیجه با مطالعه تونی و شهاب (۲۰۱۵) مطابقت دارد.

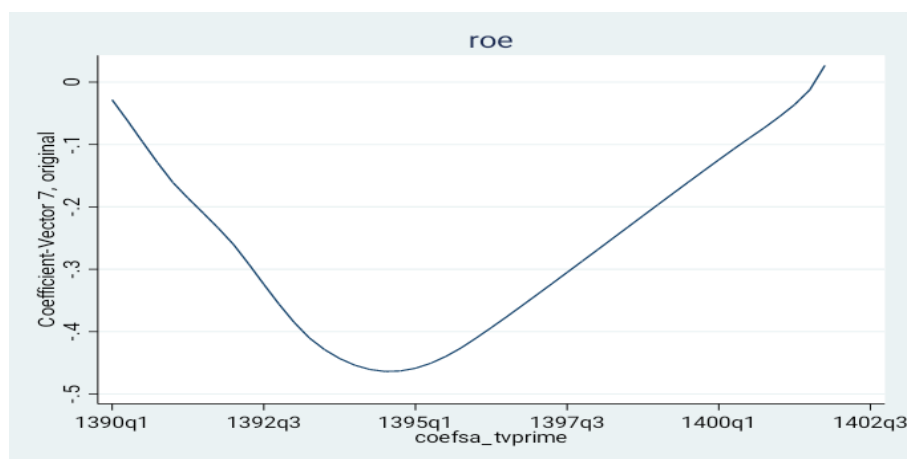


نمودار (۴). ضریب بازدهی دارایی‌ها

منبع: محاسبات تحقیق

بر اساس نمودار ۴، ضریب بازدهی دارایی‌ها در کل دوره اثر کاهشی بر نسبت مطالبات غیرجاری دارد. ضریب منفی بر مطالبات غیرجاری از ابتدای دوره تا فصل اول سال ۱۳۹۷ در حال کاهش است که می‌تواند به دلیل افزایش در نوسانات اقتصادی به دلایل مختلف از جمله نوسانات در نرخ ارز،

افزایش تورم، افزایش تحریم‌ها و نوسانات تجاری باشد که باعث شده است ریسک اعتباری نیز افزایش یافته و همچنین بازدهی دارایی‌ها کاهش یابد. همه این موارد باعث می‌شود اثر کاهشی بازدهی دارایی‌ها بر نسبت مطالبات غیر جاری کاهش یابد و به صفر نزدیک شود؛ به طوری که از فصل دوم سال ۱۳۹۷ تا فصل چهارم سال ۱۳۹۸ ضریب نزدیک به صفر است. در واقع، در این دوره با توجه به نوسانات زیاد در اقتصاد ایران امکان سرمایه‌گذاری کم‌ریسک و پربازده برای بانک‌ها وجود نداشته است و سرمایه‌گذاری با ریسک زیادی همراه بوده است که این موارد باعث می‌شود اثر کاهشی ضریب بازدهی دارایی‌ها بر نسبت مطالبات غیر جاری به صفر نزدیک شود. از فصل اول سال ۱۳۹۹، ضریب منفی افزایشی شده است؛ اما میزان ضریب نسبت به دوره‌های اولیه بسیار کم‌تر است که به دلیل بحران‌ها و شرایط بد اقتصادی است که باعث می‌شود بازده دارایی‌ها اثر کاهشی چندانی بر مطالبات غیر جاری نداشته باشد. ضریب تقریباً بین -0.4 است و در کل، اثر کاهشی به‌ویژه در فصول پایانی دوره مورد مطالعه بسیار کوچک است که نشان‌دهنده اثر کم بازدهی دارایی‌ها بر بهبود نسبت مطالبات غیر جاری و ریسک و بحران‌هایی است که بانک‌ها با آن مواجه بودند.



نمودار (۵). ضریب بازدهی حقوق صاحبان سهام

منبع: محاسبات تحقیق

بر اساس نمودار ۵، ضریب بازدهی حقوق صاحبان سهام در کل دوره باعث کاهش نسبت مطالبات غیر جاری می‌شود. در ابتدای دوره اثر کاهشی افزایش یافته و در فصل سوم سال ۱۳۹۴ بیش‌ترین اثر کاهشی بر نسبت مطالبات غیر جاری را دارد. بعد از آن ضریب کاهشی کم‌تر شده و این کاهش ضریب از فصل چهارم ۱۳۹۴ تا انتهای دوره ادامه دارد. به طوری که در فصل چهارم سال

۱۴۰۱ اثر افزایشی بر نسبت مطالبات غیرجاری بانکها دارد. در واقع، در سالهای ابتدایی دوره با وجود افت شاخص بورس در سال ۱۳۹۲، بازدهی حقوق صاحبان سهام اثر چندانی به خاطر عمق کم بازار بورس بر مطالبات غیرجاری بانکها نداشته است. در حالی که در ادامه به‌ویژه با افت شدید شاخص بورس در سال ۱۳۹۹ و به دلیل خروج نقدینگی از بازار بورس و سرریز آن به سایر بازارها نوسانات اقتصادی افزایش یافته و این مورد بر متغیرهای کلان اقتصادی نیز تأثیر داشته است و باعث شده است که اثر ضریب منفی بازدهی حقوق صاحبان سهام بر نسبت مطالبات غیرجاری بانکی کاهش یابد و حتی در انتهای دوره اثر افزایشی داشته باشد. ضریب بین $0.2-0.46-$ است و در بین متغیرها بیشترین اثر را بر نسبت مطالبات غیرجاری بانکی دارد. بنابراین، یکی از مهم‌ترین ارکان برای کاهش نسبت مطالبات غیرجاری بانکی رونق بورس و جلوگیری از خروج سرمایه از بورس و سرریز آن به سمت بازار سایر دارایی‌ها است.

۴. نتیجه‌گیری

مدیریت مطالبات غیرجاری یکی از چالش‌های اساسی نظام‌های بانکی است که می‌تواند تأثیرات عمیقی بر ثبات مالی و اقتصادی داشته باشد. در نتیجه، تحلیل دقیق و بررسی مؤثر راهکارهایی برای کنترل و کاهش این مطالبات، به‌ویژه در شرایط اقتصادی متغیر و ناپایدار، ضروری است. این فصل به دنبال ارائه راهکارهایی است که می‌تواند به بهبود مدیریت ریسک، افزایش کارایی سیستم‌های داخلی بانکی، و تقویت سیاست‌های کلان اقتصادی کمک کند. این پژوهش به بررسی عوامل مؤثر بر مطالبات غیرجاری در یک فضای احتمالی متغیر در زمان پرداخت. در این مطالعه از اطلاعات آماری بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۴۰۲ استفاده شد. نتایج بدست آمده نشان داد که اثر تمامی متغیرهای کلان اقتصادی بر نسبت مطالبات غیرجاری باتوجه به ضریب در طی دوره زمانی مورد بررسی افزایشی است و بیشترین اثر را نرخ ارز و سپس نرخ بیکاری بر نسبت مطالبات غیرجاری دارد. بنابراین، برای کاهش مطالبات غیرجاری بانکی لازم است نوسانات متغیرهای کلان اقتصادی به‌ویژه نرخ ارز کنترل شود. ۲- در بین متغیرهای سطح بانک ضریب بازدهی دارایی‌ها و ضریب بازدهی حقوق صاحبان سهام اثر کاهشی بر نسبت مطالبات غیرجاری بانکها داشته است. در کل، ضریب متغیرهای سطح بانک نسبت به متغیرهای کلان اقتصادی به‌ویژه برای بازدهی حقوق صاحبان سهام بیش‌تر است و برای کاهش نسبت مطالبات غیرجاری بانکها لازم است نظارت ویژه بر عملکرد بانکها شود. بر اساس نتایج تحقیق، چندین پیشنهاد برای سیاست‌گذاران و مدیران بانکها جهت مدیریت بهتر مطالبات غیرجاری ارائه می‌شود:

کنترل نوسانات نرخ ارز: از آنجا که نوسانات نرخ ارز یکی از عوامل کلیدی در افزایش مطالبات غیرجاری است، پیشنهاد می‌شود دولت و بانک مرکزی سیاست‌های تثبیت نرخ ارز و ایجاد سازوکارهای پیش‌بینی‌پذیر برای نرخ ارز را اجرا کنند. این اقدام می‌تواند به کاهش فشارهای مالی بر مشتریان و کنترل مطالبات غیرجاری کمک کند.

مدیریت مؤثر تورم: با توجه به تأثیر زیاد تورم بر افزایش مطالبات غیرجاری، پیشنهاد می‌شود سیاست‌های پولی و مالی مانند کاهش رشد نقدینگی و کنترل قیمت‌ها به صورت جدی دنبال شود. بانک مرکزی می‌تواند با اعمال سیاست‌های انقباضی، تورم را کنترل کرده و از بروز بحران‌های مالی در شبکه بانکی جلوگیری کند.

حمایت از حقوق صاحبان سهام: با توجه به تأثیر مثبت بازدهی حقوق صاحبان سهام بر کاهش مطالبات غیرجاری، بانک‌ها باید سیاست‌های بهینه برای افزایش سودآوری و بهره‌وری را اجرا کنند. این شامل مدیریت بهتر دارایی‌ها و کاهش هزینه‌ها است.

منابع

۱. احمدی، مهدی. (۱۴۰۰) تأثیر نرخ بهره بر مطالبات معوق بانکی: بررسی موردی ایران. *فصلنامه بانکداری و مالی*.
۲. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک داده‌های سری‌های زمانی.
۳. حسینی، علی. (۱۴۰۰). سیاست‌های اعتباری و تأثیر آن‌ها بر مطالبات معوق بانک‌ها. *فصلنامه پژوهش‌های مالی*.
۴. حسین زاده آرانچی، محمد، سلیمانپور، علی، حق خواه، داوود. (۱۴۰۳). بررسی رابطه سیاست پولی و حساب بدهی بخش غیردولتی به بانکها و موسسات اعتباری ایرانی با رویکرد غیرخطی. *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۱۳(۴۷)، ۱۱۹-۱۳۰.
۵. حیدری، هادی؛ زواریان، زهرا و ایمان نوربخش (۱۳۹۹). بررسی اثر شاخص‌های کلان اقتصادی بر مطالبات معوق بانک‌ها، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، ۱(۴)، ۴۳-۶۵.
۶. رستمی، جلال. (۱۴۰۲). نقش نظارت و کنترل داخلی در کاهش مطالبات غیرجاری بانک‌ها. *مجله مدیریت مالی*، ۲(۵)، ۴۵-۶۸.
۷. رودری، سهیل. (۱۳۹۹). بررسی عوامل تعیین‌کننده مطالبات غیرجاری شبکه بانکی کشور از بخش‌های خصوصی و دولتی با تأکید بر نوسانات بازارهای دارایی و سرمایه اجتماعی: (کاربردی از الگوهای تبدیل موجک و مارکف سویچینگ)، *رساله دکتری، دانشگاه فردوسی مشهد*.
۸. شریفی، محمد. (۱۴۰۱). مدیریت ریسک اعتباری و تأثیر آن بر مطالبات معوق در نظام بانکی ایران. *نشریه بانکداری و مالی*.
۹. شیخلی، سمانه، نصیری اقادام، علی، آماده، حمید، و درودیان، حسین. (۱۴۰۲). مدل‌سازی پیش‌بینی بحران بانکی در ایران با استفاده از *BMA*. *فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد*، ۹(۴)، ۱-۳۶.
۱۰. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری، سال‌های مختلف.
۱۱. کمالی دهکردی پروانه، غبیشاوی عبدالخالق، عبدالهی فرشته. (۱۴۰۲). مطالبات معوق بانکی، مدیریت واکسن کووید ۱۹، عدم قطعیت سیاست‌گذاری در ایران. *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۱۲(۴۲)، ۱۸۱-۲۱۰.

۱۲. موسویان، سید عباس. (۱۳۹۲). خلا قانونی مطالبه‌های غیر جاری در قانون عملیات بانکی بدون ربا. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۱۳(۵۲)، ۳۳-۵۷.
۱۳. یحیائی، محمد (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین عوامل برون‌سازمانی و مطالبات معوق بانکی (مورد مطالعه: بانک ملت استان کشور)، *فصلنامه علوم اقتصادی*، ۹(۳۱)، ۲۵-۳۶.
14. Amuakwa-Mensah, F., Marbuah, G., & Ani-Asamoah Marbuah, D. (2017). Re-examining the determinants of non-performing loans in Ghana's banking industry: Role of the 2007–2009 financial crisis. *JOURNAL OF AFRICAN BUSINESS*, 18(3), 357-379.
15. Castro, V. (2013). Macroeconomic determinants of the credit risk in the banking system: The case of the GIPSI. *ECONOMIC MODELLING*, 31, 672-683.
16. Crouhy, M., Galai, D., & Mark, R. (2006). *THE ESSENTIALS OF RISK MANAGEMENT* (Vol. 1). McGraw-Hill.
17. Do, L. K. O. (2023). Economic and institutional factors influencing non-performing loans. *African Banking Review*, 15(3), 78-94.
18. Ekanayake, E. M. N. N., & Azeez, A. A. (2022). Determinants of non-performing loans in Sri Lankan banks. *Asian Economic and Financial Review*, 10(5), 150-165.
19. Ferreira, C. (2022). Determinants of non-performing loans: A panel data approach. *International Advances in Economic Research*, 28(3), 133-153.
20. Gupta, R., & Yadav, P. (2022). Dynamic assessment of credit risk factors in developing economies: A panel data approach. *Journal of Risk and Financial Management*, 15(4), 89–110
21. Gweyi, M. O. (2013). Credit risk mitigation strategies adopted by commercial banks in Kenya. *International Journal of Business and Social Science*, 4(6), 71-87.